



سوره مبارکه حجر

جلسه اول: ۹۳/۴/۱۰

- سوره مبارکه حجر آخرین سوره از «سُور الرّا» است.

- این سوره به نوعی جمع‌بندی سوره الرّا است. یعنی به نوعی قلّه سوره الرّا است. قله به معنای غایت معرفتی، غایت ایمانی و عملی. زیرا مقصد نهایی سوره الرّا، سیر دادن ما به سمت خود قرآن است که این کار را این سوره به اتمام می‌رساند.

- آیه ۱: این سوره مانند بقیه سوره درباره «کتاب و آیات کتاب» است. البته اینبار تأکید بر خود قرآن است.

- در این سوره از قرآن به «قرآن مبین» یاد شده است که بین بودن آن مورد توجه قرار گرفته است.

- آیه ۲: یکی از موضوعات مهم در این سوره بحث «وَدّ» است. هنگامی که قیامت برپا می‌شود کفار دوست داشتند که ای کاش مؤمن بودند. زیرا وَدّ آنها در دنیا خرج کتاب و دین و توحید نشد، لذا در قیامت افسوس می‌خورند. بنابراین این سوره، سوره درمان مودّت است.

- آیه ۳: این آیه یکی از سنگین‌ترین، عمیق‌ترین، فلسفی‌ترین و عینی‌ترین آیاتی است که می‌تواند اوصاف کفّار را بیان کند. کفاری که مودتشان نسبت به کتاب و حقایق نیست و زندگی‌شان در خوردن و تمتع (بهره‌مندی دنیایی) و آرزوهای به درد نخور خلاصه می‌شود.

- آیه ۴: ماجرا فردی نیست بلکه هر قوم و هر قریه‌ای برای خودشان کتاب دارند و کفر جمعی‌شان موجب یک هلاکت جمعی می‌شود. بنابراین باید قضیه را اجتماعی ببینیم زیرا حَسَب همین زندگی اجتماعی است که محبّت‌های کاذب، که جایگزین محبّت واقعی و اصلی می‌شود، چشم افراد را می‌گیرد.

- آیه ۵: این‌گونه نیست که فقط انسان‌ها اجل داشته باشند بلکه امت‌ها نیز اجل دارند. هر امت، هر قوم، هر ملت و هر انقلابی اجل دارند و تا زمان اجلشان فرصت انجام دادن کاری را دارند. همان‌طور که در تاریخ بسیاری از امت‌ها و اقوام بوده‌اند که الآن نیستند، اکنون نیز امت‌ها و اقوامی هستند که در آینده نخواهند بود.

- آیات ۶ و ۷: این دو آیه بهانه‌ای است که کفار می‌گیرند و به پیامبر می‌گویند: «اگر راست می‌گویی، فرشته‌ها را نازل کن تا ما به تو ایمان بیاوریم». البته خدا هم اجازه این کار را نمی‌دهد.

- آیه ۸: قرار نیست که عالم به صورت درخواستی باشد که هر کس بگوید فلان کار انجام بشود و حتماً آن اتفاق در خواستی ما بیفتد تا ما ایمان آوریم. باید بفهمیم که عالم، قوانینی دارد و ما باید خودمان را با آن قوانین منطبق کنیم نه اینکه قوانین بر وفق مرادمان تغییر کند.

- آیه ۹: این آیه بسیار مهم است و وجوه متعددی دارد. نپندارید که اگر ایمان نیاورید خدش‌های به ذکر خدا وارد می‌شود. خدا می‌گوید: ما قرآن را نازل کردیم خودمان هم از آن محافظت می‌کنیم.

- آیات ۱۰ تا ۱۳: قبلی‌ها هم این‌گونه بودند که ذکر می‌آمد ولی آن را مسخره می‌کردند و این اتفاق، جدید و عجیب و غریب نیست بلکه این مسئله با قرآن هم می‌افتد. انگار نه انگار که قرآن ذکر است و آن را حفظ کرده‌اند. به خودشان اجازه می‌دهند که هر جمله قرآن را هرگونه که دلشان خواست بگویند و هرطور که خواستند عمل کنند. «استهزاء» یعنی اینکه حرف آن را می‌زند ولی به نوعی دیگر عمل می‌کنند.

- این سوره، سوره دفاع از حیثیت قرآن است به طوری که در آیات بعدی جملات سنگین‌تری در دفاع از قرآن آمده است.

- آیات ۱۴ و ۱۵: برای اینکه دهان کفار بسته شود و دیگر نتوانند بهانه‌ای بیاورند گاهی به آنها چیزهایی نشان داده می‌شود اما باز هم می‌گویند: «عجب چشم‌بندی‌ای!! خیلی فوق‌العاده بود». یعنی انسان تا این حد می‌تواند به انکار برسد. آنقدر عدم پذیرش دارد که حتی توجیه می‌کند اتفاقی عجیب را که می‌افتد.

- آیات ۱۶ تا ۱۸: یکی دیگر از موضوعات مهم در این سوره، موضوع «حفظ» است. لذا از این حیث زوج سوره «طارق» می‌باشد.

- نپندارید که ملکوت قرآن را بر احدی باز می‌کنند. آسمان و ملکوت قرآن چنان محافظت می‌شود که شیاطین هم به آن دسترسی ندارد و این‌گونه نیست که فکر کنیم آدم‌های مستکبر و مسامحه‌گر و با قصدهای غیر الهی می‌توانند به عمق قرآن دست پیدا کنند.

- این‌گونه نیست که فردی بتواند به عمق قرآن دست پیدا کند و برعکس عمل کند. چنین کسی از ظاهر قرآن جلوتر نمی‌تواند برود. قرآن با هر کتاب دیگری فرق می‌کند. قرآن کتاب فرمول نیست که یکی از روی آن موشک بسازد به نفع بشریت و دیگری موشک بسازد به ضرر بشریت. علم‌های سطح پایین اینگونه‌اند که هم مؤمنین و هم کفار می‌توانند از آن استفاده کنند. قرآن چنین علمی نیست بلکه ملکوتی دارد که آن ملکوت چنان مراقبت می‌شود که احدی اگر طهارت نداشته باشد به آن ملکوت دسترسی پیدا نمی‌کند.

- به غیر از سبیل طهارت و تقوا احدی به آسمان قرآن دسترسی پیدا نمی‌کند.

- شهاب را قرار داده‌اند تا اگر کسی خواست بدون طهارت به آنجا دسترسی پیدا کند چنان ضرب شصتی به او نشان دهند که تا آخر عمرش چنان نکند.

- آیات ۱۹ و ۲۰: انسان‌ها نه تنها نمی‌توانند به «ذکر» خدش‌های وارد کنند بلکه کل نظام هستی این‌گونه است. انسان‌ها اگر خیلی زرنگ باشند فقط می‌توانند از قوانین در عالم استفاده کنند و بهره ببرند.

- آیه ۲۱: این آیه یکی از آیات غرر قرآن است.

- هر شیئی در روی زمین وجود دارد اعم از اشیاء، امکانات، استعدادها، اجسام و ... اصل خزینه‌اش دست خداست و خدا به قدر معلومی آن را نازل کرده است.

- آیه ۲۲: کسی در فهم خزائن خدا دچار توهم نشود زیرا خزینه‌ای که خدا می‌گوید با آنچه انسان می‌فهمد بسیار متفاوت است و برای همین مثال زده است که اگر راست می‌گویی خزینه‌ای درست کن که همیشه آب داشته باشد.

- آیات ۲۳ تا ۲۵: خداست که زنده می‌کند و می‌میراند. خداست که گذشتگان و آیندگان را می‌شناسد و خداست که همه را محشور خواهد کرد و اوست که حکیم علیم است.

- آیات ۲۶ به بعد، راجع به خلقت انسان آمده که بسیار زیباست. مسئله‌ای که برای انسان پیش می‌آید دقیقاً همان مسئله‌ای است که راجع به شیطان پیش آمده و نشان می‌دهد که ریشه شیطنت آدم‌ها کجاست.

- آیه ۲۶: انسان را از گِلِ خشک بی‌ارزش آفریدیم.

- آیه ۲۷: جن را از آتش آفریدیم.

- آیات ۲۸ و ۲۹: خدا به ملائکه گفت: می‌خواهم بشری بیافرینم از همین گِل، کاملاً بی‌ارزش ولی از روح خودم به آن دمیدم و چون

از روح خودم بر او دمیدم بر آن سجده کنید. بنابراین سجده بر روح خدا صورت می‌گیرد نه بر گِل.

- قوه قوه (گِل) با اوج فعلیت عالم پیوند می‌خورد.

- آیه ۳۰: همه ملائکه سجده کردند.

- آیه ۳۱: به جز ابلیس که سجده نکرد. او اصلاً اهل سجده نبود. شیطان در همه عبادت‌هایش منیت داشته است عبادتش زیاد بود زیرا

هرچه بیشتر عبادت می‌کرد عزیزتر از بقیه می‌شد.

- آیه ۳۲: از شیطان پرسیدند که تو چرا سجده نکردی؟

- آیه ۳۳: شیطان گفت: معلوم است که من که از آتش هستم نباید بر کسی که از «حَمَلِ مَسْنُون» است سجده کنم.

- خطای شیطان اینجا بود که نار را با «حَمَلِ مَسْنُون» مقایسه کرد و اصلاً روح خدا ندید را که در کالبد انسان دمیده شده بود.

- نتیجه مهم از این آیات:

❖ هر کسی در هر جایی از زندگی‌اش به جای مبنای الهی، موضوعات قالبی، استعدادی، دنیایی را مبنای مقایسه قرار دهد این یک عمل شیطانی است.

❖ هر کسی در هر جایی از زندگی، به جای ملکوت یک کار به ظاهر آن کار نگاه کرد، این یک عمل شیطانی است.

❖ هر کسی در هر جایی از زندگی، به جای ملکوت یک تصمیم به ظاهر تصمیم نگاه کرد، این یک عمل شیطانی است.

❖ به طور کل هر جایی در هر موضوعی گِل آن موضوع را دیدید ولی روح آن را ندیدید آن عمل شیطانی است.

- آیه ۳۴: اگر این‌گونه شد از دایره رحمت خدا در آن کار می‌افتید.

- نقطه مقابل جملات بالا:

* اگر در هر کار، تصمیم و عملی روح، آخرت و جنبه ملک‌گونه آن را در نظر گرفتیم، در آن کار ملک‌گونه عمل کرده‌ایم و لذا در عالم ملائکه قرار می‌گیریم.

- آیه ۳۵: تا روز قیامت لعنت خدا بر شیطان باد.

- آیه ۳۶: شیطان خواست که خدا تا روز بعثت به او مهلت دهد.

- آیه ۳۷: خدا به شیطان گفت: به تو وقت می‌دهیم زیرا ما انسان را به گونه‌ای نیافریدیم که تو بتوانی او را گول بزنی.

- آیه ۳۸: به تو وقت می‌دهیم البته نه تا روز قیامت بلکه تا وقتی معلوم

- در روایت آمده است به برکت حکومت عدلی که حضرت صاحب‌الزمان (ع) برپا می‌کنند از یک زمانی تمام شیاطین دست و پایشان بسته می‌شود و دیگر قدرت اغوا پیدا نمی‌کنند.

- آیه ۳۹: شیطان می‌گوید: من همه ابوالبشر را گمراه خواهم کرد.

- آیه ۴۰: البته به جز «مخلصین» زیرا دستم به آنها نمی‌رسد.

- آیه ۴۱: «صراط مستقیم» این است که انسان به چنان درجه‌ای از اخلاص برسد که شیطان نتواند او را اغوا کند.
- آیه ۴۲: اگر انسان‌ها بیندیشند می‌فهمند که هیچ حجت و دلیل علمی و سلطانی برای گناه کردن ندارند.
- آیه ۴۳: جهنم وعده‌گاه همهٔ آنانی است که نافرمانی کنند.
- در قیامت هیچ کس نمی‌تواند برای خدا توجیه آورد و بگوید: «من نمی‌دانستم و یا نمی‌توانستم». زیرا همهٔ انسان‌ها هم می‌دانستند و هم می‌توانستند که در برابر شیطان و وسوسه‌هایش بایستند. انسان گناهکار نخواسته است هدایت شود.
- آیه ۴۴: هوای نفس از ابواب مختلف فعالیت می‌کند و به همین دلیل جهنم هم باب‌های بسیاری دارد.
- توجه: حریف ما (شیطان و هوای نفس) حرفه‌ای است پس ما هم باید در میدان مبارزه با حریف، حرفه‌ای بازی کنیم.

زنگ دوم:

- آیات ۴۵ تا ۴۸: در این آیات اوصاف بهشت‌بندگانی را بیان می‌کند که درگیر هوای نفس و ... نیستند. اگر کسی روح را دید و دچار اغوای شیطان نشد، بهشتش این‌گونه است.
- آیه ۴۷: به بندگان من بگو که من چقدر غفور و رحیم هستم.
- آیه ۴۸: البته عذاب هم دردناک است.
- آیه ۴۹: یکی از داستان‌هایی که در سورهٔ مبارکهٔ حجر آمده است ماجرای مهمانی حضرت ابراهیم (ع) و حواشی آن است.
- آیات ۵۰ تا ۵۸: از جالب‌ترین آیات قرآن این آیات است.
- آیات ۵۹ و ۶۰: همان فرشتگانی که برای حضرت ابراهیم (ع) بشارت آورده بودند برای عده‌ای دیگر عذاب آورده بودند.
- آیات ۶۱ تا ۶۶: گناهی که آن قوم انجام می‌دادند بلایی که به سرشان آورد ریشه کن شدن همهٔ آنان بود. (دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٍ)
- آیات ۶۷ و ۶۸: اینها روضه‌های این آیات است. روضهٔ تنهایی یک پیامبر است که چگونه غریب می‌ماند. قومی که حرمت بدیهیات را هم نگه نمی‌دارند. مانند قومی که در کربلا حرمت بدیهیات اولیه را نگه نداشتند. بعضی از آدم‌ها به جایی می‌رسند که باید به آنها گفت: حداقل دیندار نیستید ولی انسان که می‌توانید باشید!!
- آیات ۶۹ و ۷۰: یک آدم چقدر می‌تواند پست و رذل باشد که در یک جامعهٔ کثیف یک انسان با طهارت را بایکوت کند آن هم به جرم داشتن طهارت.
- آیه ۷۱: این آیات ادامهٔ روضه است که حضرت لوط حاضر است دختران دسته گل خود را به آنها بدهد تا جلوی چنین افتضاحی گرفته شود.
- آیه ۷۲: همهٔ این اتفاقات از مستی این قوم‌ها بود. آنها مست سلسال و دنیا شدند. این‌گونه زندگی خوک‌گونه است. می‌خورد و بهره می‌برد و در کثافات خودش غوطه می‌خورد.
- آیه ۷۳: یکباره اشراقی بر او صورت می‌گیرد و خودش را از بیرون می‌بیند و کثافت‌کاری‌های خود را می‌بیند اما دیگر آن روز فرصت ندارد تا از آن کثافات خارج گردد. چنین کسی را لازم نیست عذاب کنی همین که کثافت‌کاری‌های خود را می‌بیند برایش بدترین عذاب است.
- آیه ۷۴: خدا نیز آنها را برای عذاب دادن، کاملاً زیر و رو می‌کند. عزت آنها را ذلت و ذلتشان را عزیز می‌کند.

- آیه ۷۵: آدم‌ها باید متوسّم بشویم. یکی دیگر از کارهای این سوره علاوه بر موضوع «حفظ»، «قرآن» و «درمان مودّت»، «متوسّم کردن آدم‌ها» نیز هست. آدم‌های نشانه‌شناس، آدم‌های دلالت‌بین. آدم‌هایی که از روی نشانه‌ها عبرت می‌گیرند و لازم نیست برای آنها دائماً سخنان و کارهای عجیب و غریب انجام دهیم. چشم و گوش آنها باز است. می‌بینند و برای کل زندگی عبرت می‌گیرند.
- آیات ۷۶ تا ۸۴: قبلاً هم آدم‌های بسیاری زندگی می‌کردند که بسیار دنیا داشتند و ارض داشتند و ...
- اصحاب آیکه پر از نعمت، باغ، کشاورزی و ... بودند و اصحاب حجر هم اصحاب سنگ بودند. در کوه‌ها بناهایی تراشیده بودند که توپ آنها را تکان نمی‌داد.
- وقتی نگاه ملکوتی و آسمانی انسان خاموش باشد می‌پندارد که سنگ امنیت می‌دهد و ...
- از آیه ۸۵ به بعد فضای سوره عوض می‌شود و مجدداً به سخنانی که در آیات ابتدایی سوره آمده بود برگشت می‌کند. مشخصاً در عالم قرآن و پیامبر گرامی اسلام سخن می‌گوید.
- آیات ۸۵ و ۸۶: از اینجا آیات بلند خدا معرفی شده که اگر کسی همین‌ها را هم ببیند و متوسّم و مؤمن باشد، مسائل قبلی برایش اتفاق نمی‌افتد. یعنی امنیت را از کوه نمی‌خواهد و رزق را از جنگل نمی‌خواهد و ...
- آیه ۸۷: قرآن را «سبع من المثانی» معرفی کرده که این وصف سوره حمد است.
- آیه ۸۸: این آیات در جامعه‌ای آمده است که مؤمنین در سختی و بدبختی زندگی می‌کنند و کفار وضعیت خوبی دارند.
- توجه: باید دنیا و تعلقات دنیوی را سه طلاقه کنیم.
- آیات ۸۹ تا ۹۲: در این سوره افرادی که مقابل مخلصین قرار دارند کسانی‌اند که قرآن را پاره پاره می‌کنند به این معنا که به بعضی از آیات عمل می‌کنند و به بعضی از آنها عمل نمی‌کنند.
- آیات ۹۳ تا ۹۵: خدا به پیامبر می‌گوید: «به دل دشمن بزن». می‌توان نتیجه گرفت که باید به سپاه نفسانیت خود بزنیم.
- آیه ۹۶: این سوره، سوره «تک خدایی» و «غیر تک خدایی» است.
- آیه ۹۷: چقدر برای یک فرمانده گران تمام می‌شود که خودش با افقی بلند عملیات انجام دهد اما نیروهایش در بند این باشد که پیروز می‌شویم یا نمی‌شویم، مهمات می‌رسد یا نه و ... !!!
- آیه ۹۸: پیامبر را به جریان سجده و عالم تسبیح متصل می‌کند و بالا می‌برد.
- آیه ۹۹: باید «عبادت کنید» تا به «یقین» برسید. نه اینکه به یقین برسید بعد عبادت کنید.

ثواب قرائت سوره:

- * کتاب البرهان: کسی که این سوره را قرائت کند اعطا می‌شود از حسنات به او به عدد مهاجرین و انصار.
- * این سوره از سوری است که به شدت شیر مادر را زیاد می‌کند.
- * کسی که این سوره را بنویسد و به بازویش ببندد وارد هیچ معامله‌ای نمی‌شود مگر اینکه فوق‌العاده برایش سودآور خواهد شد.

- انشاء الله از خیرات و برکات این سوه بهره‌مند شویم.

- می‌شود که انسان متوسل به سوره‌ای شود و مشکلاتش دفعتاً ریشه کن شود. انسان می‌تواند با این سوره انس بگیرد و مودت‌هایش را اصلاح کند و اخلاص را بخواهد و قطعاً چنین اخلاصی هم به او داده می‌شود.

- این سوره محبت اهل بیت را در دل انسان نظام مند می کند.
- انشاء الله این سوره به کم کاری های ما نگاه نکند و کرامت خودش را نشان دهد و ما را به تمامی خزائن درونی خودش به تمامی
پرساند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلهم رب العالمین